



نهضت آزادی ایران

۱۳۴۰

محکومیت کشتار اندوهبار دختران افغان

بیانیه تحلیلی نهضت آزادی ایران

بسمه تعالی

و آنگاه که از دختر بچه زنده به گور شده می پرسند: به کدام گناه کشته شده است؟

(سوره تکویر، آیات ۸ و ۹*)

بر کشتار بیرحمانه دختران دانش آموز افغان در کابل، که در تضاد آشکار با معیارهای اخلاقی و انسانی (چه دینی و چه عرفی) رخ داد، نامی جز جنایت علیه بشریت و مخالفت متعصبانه با تحصیل دختران نمی توان نهاد.

آیات بالا اشاره به دوران قیامت دارد ولی اگر امکان داشت که در همین جهان از ارواح دختر بچگان پرپر شده در جنایت اخیر پرسید که به کدام گناه کشته شدند، پاسخشان چنین می بود که نه تنها گناهی نداشته اند بلکه بنابر آموزه های قرآن و به پیروی از فرمان پیامبر گرامی اسلام، که طلب علم (جستجوی دانش و آگاهی) را بر هر مرد و زن مسلمان واجب شمرده بود، به تکلیف دینی شان عمل کرده اند.

در سوی دیگر، عاملان این جنایت، گناه نابخشودنی دختران افغان را تلاش آنان برای کسب دانش و آگاهی معرفی می کنند.

با آن که گروه های طالبان و داعش مسئولیت جنایت یاد شده را نپذیرفته اند، از آنجا که بنیادگرایان و سلفی ها (القاعده، طالبان، داعش، بوکوحرام و ...)، که با برداشت های نادرست و غیر عقلانی از آیات قرآن کریم، زن را موجودی پست و نیازمند تسلط و کنترل مرد می دانند و خود را مکلف به اجرای احکام اسلامی

(به باور خودشان)، حتی با به کار بردن خشونت و اجبار، می‌بینند می‌توان انکار آنان از دست داشتن در این فاجعه را یک ترفند سیاسی دانست و از انگیزه‌های آمران و عاملان آن، یعنی استفاده از روش‌های به شدت خشن برای دامن زدن به تشنج و دستیابی به جایگاه محکم‌تری در هرگونه مذاکره و بده‌بستان و به چنگ آوردن سهم بیشتری از قدرت در نظام سیاسی آینده افغانستان چشم‌پوشی نکرد.

نهضت آزادی ایران ضمن محکوم کردن شدید کشتار اندوهبار دختران بیگناه افغان و ابراز همدردی با ملت و دولت افغانستان، مقصر دانستن عوامل مستقیم این جنایت را به تنهایی کافی ندانسته، بر ضرورت ریشه‌یابی و تحلیل علل و عوامل تاریخی و سیاسی این گونه رخدادها و تلاش برای جلوگیری از تکرار آنها تاکید می‌ورزد.

با نگاهی به گذشته و شرایط حاکم بر افغانستان پس از تسلط کمونیست‌های مورد پشتیبانی ارتش سرخ روسیه شوروی بر آن کشور، در می‌یابیم که در آن دوران احزاب یا گروه‌های موسوم به مجاهدین (متشکل از ۷ گروه مورد پشتیبانی پاکستان و ۸ گروه مورد حمایت ایران) برای سقوط دولت حاکم و بیرون راندن نظامیان روسی از افغانستان مبارزه می‌کردند که با توجه به رویارویی دولت آمریکا با اتحاد جماهیر شوروی، مورد حمایت کلی آمریکا بودند ولی به علت ناهماهنگی و حتی رقابت و بعضاً تضاد میان نیروهای مجاهد، فداکاری‌هایی جانانه آنان نتیجه مطلوب نمی‌داد و کار به جایی کشید که شادروان مهندس بازرگان در نامه دلسوزانه‌ای به رهبران جهادی، آنان را به کنار گذاشتن اختلافات درونی و ایجاد وحدت در فکر و عمل دعوت کرد و از آنان خواست که حتی با قرعه‌کشی، در صورت لزوم، یک فرماندهی واحد به وجود آورند. شوربختانه، این گونه توصیه‌های خیرخواهانه به گوش جان شنیده نشد و حتی شاه مسعود قهرمان، که توانمندی و شایستگی هم‌هنگ کردن گروه‌های مجاهد را داشت، به دست کسانی که اتحاد و هماهنگی نیروهای در صحنه را به زیان خویش می‌پنداشتند به شهادت رسید.

در نتیجه ضعف ناشی از اختلافات یاد شده در رویارویی با دولت دست‌نشانده روس‌ها، گروه طالبان با پشتیبانی دولت آمریکا و متحدان آن (از جمله دولت پاکستان) توانست به تدریج مجاهدان را کنار زده، به قدرت اصلی در میدان نبرد تبدیل شود و سرانجام بر سراسر کشور تسلط یابد و نظامی سرکوبگر و آزادی‌کش (بوپژه در ارتباط با زنان) پدید آورد، به گونه‌ای که حتی پس از تغییر نظام سیاسی در افغانستان، همچنان کنترل بخش‌هایی از آن کشور را در دست داشته باشد.

بدین ترتیب، نباید از اشتباهات نیروهای جهادی افغان چشم‌پوشی کرد و از پیامدهای ناگوار آن برای عدم تکرار اشتباهات عبرت نگرفت.

از سوی دیگر، دولت آمریکا؛ که در قدرت گرفتن طالبان و آشوب‌ها و فجایع ناشی از حکمرانی آنان نقش کلیدی داشته است، در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، با دور زدن دولت قانونی افغانستان و با هدف سرعت بخشیدن به خروج سربازان آمریکایی از آن سرزمین، مستقیماً با نمایندگان طالبان به گفتگو نشست

و بدون جلب نظر و رضایت دولت و مردم صلح‌خواه افغانستان و بدون گرفتن تضمین معتبر از طالبان برای توقف کشتارها و ستمگری‌های آن گروه، توافقنامه‌ای را امضا کرد که آزاد کردن صدها زندانی طالبان، که دستشان به خون مسئولان حکومت و مردم عادی افغانستان آلوده بود، یکی از بندهای آن را تشکیل می‌داد.

نهضت آزادی ایران باور دارد از آنجایی که مشابه رویداد فاجعه بار بالا پیشتر نیز بارها در افغانستان، عراق، سوریه، نیجریه و ... رخ داده است و در صورت برطرف نشدن علل و عوامل وقوع آنها، در آینده نیز تکرار خواهد شد، لازم است که پویش‌ها و پیکارهای هم‌هنگ و اثربخش جهانی در دو راستای زیر ایجاد شود و فعالانه عمل کند.

- ۱- به لحاظ نظری، آگاهی بخشی و مبارزه همه جانبه فرهنگی با هر گونه اندیشه انحرافی و افراطی دینی
- ۲- در سپهر سیاسی، فشار آوردن دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بر گروه طالبان و گروه‌های مشابه برای دست کشیدن از خشونت و جنگ افروزی و تن دادن به مشارکت مسالمت آمیز و خردورزانه در فعالیت‌ها و ساختارهای سیاسی، در چارچوب قوانین اساسی مترقی و وحدت آفرین.

نهضت آزادی ایران

اول خرداد ۱۴۰۰

- * وَإِذَا الْمَوْؤَدَةُ سُئِلَتْ ۸ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۹